



عراقچی: تحریم خطوط هوایی ایران، چه نقشی در کاهش تنش در منطقه دارد؟



نگاه تحلیلگر / ۲

کلید معمای انتصابات کجاست



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

اگر بخواهیم یک گره‌برداری ساده و مجمل و یک چرتکه‌اندازی مختصر پیرامون گرایش دولت‌های مختلف در طول ۴۵ سال گذشته انجام دهیم، کفه ترازو به سمت دولت‌های با گرایش اصلاح‌طلبی و اعتدالی سنگینی می‌کند؛ اما لیست مدیران عالی و میانی را در طول همین سال‌ها اگر فهرست کنیم، نتیجه برعکس می‌شود و چربش و تفوق با مدیران طیف راست قدیم با آنکه که در چند سال اخیر، متداول شده، «اصولگرایی» است. حال سوال این است که تاثیر و تبعات این شرایط و وضعیت بر ساختار و شاکله دولت فعلی و آینده کشور چیست و ریشه‌های آن کجاست و با چه تغییر رویکرد و جهت‌دهی می‌توان این روند را دچار دگرگونی و چرخش کرد؟

یادم هست در بهار سال ۱۳۹۲ که بحث ثبت‌نام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری داغ و پرطنین بود، همراه با جمعی از روزنامه‌نگاران خدمت آقای خاتمی رسیدیم و موضوع جلسه دعوت از ایشان برای ثبت‌نام در انتخابات بود. همانجا خدمت ایشان گلابه‌آمیز و انتقادی سخن گفتیم و تاکید کردم تا کی باید در هر برهه و موسم انتخاباتی به سراغ سید خندان و شیخ مصلحت (آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی) برویم و شما عزیزان را دعوت به حضور در انتخابات و جلدوری کنیم و چرا کادرسازی در اردوگاه اصلاحات و آینده‌نگری مسئله و دغدغه این جریان نیست. انتخابات البته با برد تحول خواهان و حضور روحانی بر مسند ریاست جمهوری به انجام رسید؛ اما در طول هشت سال دولت وی نیز کادرسازی مطلوب و بهینه و فراگیر و همسان با پتانسیل‌های این جریان سیاسی انجام نپذیرفت که خود از علت‌های سرخوردگی پیامدی نیز بود. اما نکته جالب آنکه این معضل ساختاری و دیرباز محدود و محصور در دولت‌ها نبوده است. باروی کارآمدن شورای شهر تمام اصلاح‌طلب در انتخابات سال ۱۳۹۶ نیز شاهد آن بودیم که این رویه حتی شدیدتر تکرار شد، آنچنان که در طول چهار سال زمامداری بلدیه تهران کمتر از ۱۰۰ نفر از اصلاح‌طلبان در بدنه شهرداری تهران استخدام رسمی شدند؛ در حالی که در همان برهه ادعای شد آقای قالیباف تنها در بخشی از دوران زمامداری خود ۱۲ هزار نفر را به استخدام شهرداری درآورد. اشاره‌ام به این نکته است که منظور من از آن منظور من است که بگویم اصلاح‌طلبان با محافظه‌کاری در ادوار مختلف خو گرفته و برخلاف رقیب سیاسی نته‌تها عنایتی به کادرسازی نداشته‌اند که همواره خود را در لاک دفاعی فرو برده و فرصت‌های طلایی برای تثبیت جایگاه خود در ساختار و ساخت قدرت را از دست داده‌اند. حال بازگردیم به زمان فعلی و تبعات این رویکرد و نگرش اشتباه را مرور کنیم. با روی کارآمدن دولت مسعود پزشکیان، او وعده وفای ملی را داد. طبیعی بود که در ساخت سرمایه اجتماعی این وفای گرایی در قالب گشایش در حلقه‌های بسته و تنگ مسبوق به سابقه مدیریتی و به کارگیری محذوفان و جاماندگان از ساختار و اریکه قدرت معنا و مفهوم می‌یافت و نشانه‌های دال بر همنوایی و همدلی لایه‌های مختلف و متفاوت جامعه در ساختار قدرت شده و منجر به ارتقای هم‌پذیری و نیز حس همذات‌پنداری میان عموم مردم با دولت و حاکمیت می‌شود. اما با عنایت به آن وقعه و عدم اهتمام جدی در کادرسازی، در عمل شاهد آن هستیم که انتصابات تازه و امیدوارکننده دولت هم محدود و محصور در جوانان و زنانی شده که در دوران دولت قبل جایگاه و سمتی نداشته‌اند که همانگونه که گفته شد، تعداد اندکی را شامل شده و از طرف دیگر همسان و هم‌تراز با انتظارات و توقعات نبوده و مسر خوردگی ای که این روزها شاهدش هستیم، در پی داشته است. جالب آنکه طیف سوبر انقلابی‌نماها به همین نکته هم بسنده نکرده و با انتصاب هر چهره جوان با سابقه اصلاح‌طلبی، موج انتقادات و هجمه‌ها در فضای مجازی و رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی را به راه می‌اندازند که آخرین نمونه آن را در گزینش معاونت هنری وزارت ارشاد شاهد هستیم. حال رهاکار چیست؟ بازگشت به رویه همیشگی و مسبوق به سابقه اصلاح‌طلبان در قالب رویکرد محافظه‌کارانه و رفتن به لاک دفاعی و عدم ایجاد تغییرات بهینه حداقلی در کادر میانی و بدنه مدیریتی و اجرایی دولت و تکرار فرصت‌سوزی‌های گذشته؟ تجربه تاریخی و آمار و ارقامی که بدان اشاره رفت، نشان می‌دهد چنین رویه‌ای نه تنها باعث کوتاه آمدن و تغییر رویکرد تمامیت خواهان و خالص سازان نخواهد شد که یکبار دیگر و در آینده‌ای نزدیک این جریان را بیش و پیش از هر زمان دیگری با خلأ و نقصان مدیریتی روبه‌رو کرده و در میان مدت و کوتاه مدت سرمایه اجتماعی دولت را دچار بریزش و حامیان را مایوس و ناامید خواهد کرد. دولت چهاردهم همانگونه که در گزینش مدیران عالی و کابینه خرق عادت کرد و با گزینش چهره‌هایی از اصلاخ و اقطاب جریان‌های سیاسی بر مدار وفای گرایی با طیف‌های سیاسی گام برداشت، حال نیز فرصت دارد که در چارچوب راهبرد وفای ملی این بار با لایه‌های مختلف و متکثر جامعه در چارچوب ارتقای سرمایه اجتماعی، طرحی نو در انداخته و ورود بدنه مدیریتی تازه و پتانسیز و کارآمد از مطرودان و محذوفان همیشگی را کلید بزند، البته با آن شرط لازم و ضروری که از رویکرد محافظه‌کارانه همیشگی در این مقوله اجتناب ورزد، طرفه آنکه این دولت به دلایل مختلف هم سطح بالایی از پذیرندگی در ساخت قدرت را همراه خود دارد و هم مطالبه بدنه اجتماعی را و این به دولت مسبوق‌الیدی بیشتری برای پیشبرد کار و تغییر در وضعیت گذشته بخشیده و دستیابی به نتیجه‌های آسان‌الوصول تر کرده و همه چیز اکنون در گرو عزم و اراده سطوح عالی مدیریتی دولت برای جبران مافات و حل این معضل دیرین کرده است.

کشورمان، گفت: «سابقه شروع پرستاری کلاسیک از ۱۱۰ سال پیش در مدرسه پرستاری ارومیه بوده و بعد گسترش یافته و تمام دانشکده‌ها و مراکز آموزشی ما مدیون بزرگانگی همچون مرحوم خانم هروآبادی و خانم دکتر مداح است که در توسعه پرستاری نقش ویژه‌ای داشته‌اند.»

ضرورت پوشش بیمه‌ای خدمات پرستاری در منزل

عباس عبادی، معاون پرستاری وزارت بهداشت هم در این مراسم با تاکید بر ضرورت دسترسی مردم به خدمات با کیفیت و ارزان در حوزه سلامت گفت: «تخصصی‌سازی بیش از حد در چند دهه گذشته، باعث کم‌رنگ شدن نقش نیروهای حد واسط در نظام سلامت، افزایش هزینه‌های خدمات، وابستگی بیش از حد به تکنولوژی، کاهش انگیزه و در نهایت منجر به افزایش خروج از خدمت همکاران شده است. در سال گذشته، بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ نفر از گروه کادر درمان به‌ویژه پزشک و پرستار از خدمت خارج شده‌اند. کمبود نیروی پرستار سبب محرومیت مردم از دریافت خدمات با کیفیت حوزه سلامت خواهد شد.»

معاون وزیر بهداشت درباره لایحه حمایت معنوی و مادی از گروه پرستاری در وزارت بهداشت توضیح داد: «این لایحه شامل مواردی چون مالیات، جذب و استخدام، ایثارگری، مسکن و خدمات رفاهی پرستاران است.» او همچنین به کمبود پرستار و نیاز مردم به خدمات پرستاری در منزل اشاره کرد و خواستار ارائه پوشش بیمه‌ای برای این خدمات شد: «با توجه به موج سالمندی و افزایش بیماری‌های مزمن، اگر توسعه خدمات پرستاری در منزل و پوشش بیمه‌ای آن انجام نشود، این خدمات به یک خدمات دست‌نیافتنی و گران تبدیل خواهد شد و بسیاری از مردم از آن محروم خواهند ماند.»

۶۰ هزار پرستار ترجیح داده‌اند در خانه بمانند



محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار در گفت‌وگو با هم‌میهن تاکید می‌کند که مشکلات جامعه پرستاری، عمیق، مزمن و انباشته‌شده بوده و طی ۲۰۱۰ سال گذشته ایجاد شده است: «بنابراین نباید انتظار حل یک‌شبه آنها را داشته باشیم. رویکرد پزشکیان و ظرف‌قندی تاکنون مبتنی بر تلاش بوده است. وزیر بهداشت از ابتدای آغاز به کارش جلساتی را با نهادهای پرستاری برگزار کرده و در وزارت بهداشت مهم‌ترین مشکلات جامعه پرستاری را بازگو کرده و راهکار هم ارائه داده‌ام. در گام اول دولت گوش شنوا و پذیرش برای این مشکلات داشته است.» او تلاش دولت درباره پرداخت معوقات پرستاری هم می‌گوید: «البته مطالبات پرستاری تنها معوقات نیست. معوقات در واقع همان اضافه‌کار اجباری پرستاران یا نرخ ۲۵ هزار تومان است که البته خلاف قانون است. ما نهادهای پرستاری جلساتی را برگزار و متفقاً فرمولی را اعلام کردیم که وزارت بهداشت هم پذیرفت براساس این فرمول نرخ ساعتی اضافه‌کار ۱۰۰ هزار تومان می‌شود. اما بر اساس توجیهات سازمان برنامه و بودجه رئیس جمهور و وزیر بهداشت نرخ اضافه‌کار ساعتی ۸۰ هزار تومان شد یعنی حدود ۲۰ درصد کاهش اضافه‌کار فعلی که البته کافی نیست. البته این پرستار هست که باید تصمیم بگیرد آیا با این میزان نرخ، اضافه‌کاری اش توجیه دارد یا خیر.»

دبیرکل خانه پرستار با بیان اینکه اضافه‌کار ساعتی ۲۵ هزار تومان تاکنون کننده هزینه رفت و آمد پرستاران هم نبوده، اضافه کرد: «با توجه به مواجهه بیمارستان‌ها با کمبود پرسنل، آنها مجبور می‌شدند که به پرستار اضافه‌کار بدهند و پرستاران هم زیر بار اضافه‌کار نمی‌رفتند. این موضوع باعث شد که بیمارستان‌ها با ابزارهای نادرست مدیریتی مانند تهدید به تغییر بخش یا کاهش کارانه، پرستار را وادار به اضافه‌کار کنند. در این شرایط نرخ تعیین‌شده فعلی یعنی ۸۰،۷۰ هزار تومان کافی نیست اما یک گام اولیه است.» به گفته شریفی مقدم دولت جدید برای حل مشکلات پرستاران تلاش می‌کند اما مشخص نیست که این تلاش‌ها در آینده منجر به نتیجه‌ای شود که پرستار جذب بیمارستان‌ها شود: «امروز اعلام شد که اجازه استخدام ۱۱ هزار پرستار را گرفته‌اند. اما مسئله این است که در نگهداشت پرستاران مشکل داریم. باید جذابیت حرفه‌ای ایجاد کنیم یعنی باید دریافتی پرستار آقدر زیاد باشد که او رغبت به کار کردن پیدا کند.» او با تاکید بر اینکه در حال حاضر ۵۰،۶۰ درصد پرستار ترجیح داده‌اند که در خانه بمانند زیرا هزینه کمتری دارد، ادامه داد: «رئیس‌جمهور گفته است که هر چه آورده داریم به صورت عادلانه توزیع می‌کنیم. این اتفاق خوبی است. یکی از مشکلات ما در وزارت بهداشت بی‌عدالتی است که مقابله با آن شعار رئیس‌جمهور است. مطالبات پرستاری بحق هستند و هیچ کس هم آنها را ناحق نمی‌داند به همین دلیل هم رئیس‌جمهور اعلام کرد که آورده‌ها را در طبق اخلاص می‌گذاردن زیرا گروه پزشکی یک تیم است و باید با همه اعضای آن برخورد عادلانه کرد. یعنی در پرداخت، جایگاه مدیریتی و بر خورد‌ها باید شرایط عادلانه باشد که در گذشته چنین مسئله‌ای نبوده است. در آینده هم ما نمی‌توانیم نظر دهیم. دوستان تازه بر سر کار آمده‌اند اما در همین دو سه ماه تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند.»

قوانین درباره پرستاران اجرا نمی‌شود

او مطالبه دیگر پرستاران را پرداخت فوق‌العاده خاص با ضریب مناسب می‌داند: «این پرداخت می‌تواند دریافتی ثابت پرستاران را افزایش دهد. در حال حاضر بودجه‌ریزی در وزارت بهداشت شروع شده است. انتظار جامعه پرستاری این است که فوق‌العاده خاص با ضریب مناسب در بودجه پیش‌بینی شود. اگر چنین نشود به مشکل بر می‌خوریم. باید با گذشت زمان در این باره قضاوت کرد.» دبیرکل خانه پرستار درباره لایحه حمایت از حقوق مادی و معنوی پرستاران هم می‌گوید: «در حال حاضر قوانین سال‌های گذشته مانند قانون مصوب ۱۳۶۸ که شغل پرستاری را سخت و زیان‌آور توصیف و اعلام می‌کند که پرستاران می‌توانند بعد از ۲۵ سال کار با ۳۰ روز حقوق بازنشسته شوند، اجرا نشده و پرستاران از مزایای آن برخوردار نمی‌شوند و به دلیل شرایط مجبورند همان ۳۰ سال را کار کنند. همچنین قوانین دیگری مانند «قانون ارتقاء بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت» مصوب ۱۳۸۸ یا «قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری» مصوب ۱۳۸۶ هم به درستی اجرا نشده است. این لایحه هم مانند سایر قوانین است؛ یعنی روی کاغذ خوب است، با توجه به تاکید سران قوا نسبت به اجرایی شدن این قوانین اما این اتفاق نیفتاده است بنابراین با توجه به این شرایط جامعه پرستاری کشور اعتماد چندانی به این موارد (لایحه) ندارد.»

فرقی نمی‌کند چه کسی پرزیدنت شود

درباره عکسی از دونالد ترامپ

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

رفیقم زنگ زد و گفت حاجی دلار سقف جهانی خودش روزد. نفت کشید پایین. طلا عقب‌نشینی کرد. تسلا ۱۲ درصد رشد کرد. بیت‌کوین هم ۹ درصد کشید بالا. پرسیدم: زنگ زدی احوال پرسی یا اخبار اقتصادی بدی؟ گفت ولله نمی‌دانم. کیج و منگ شدم. نکنند این بارو کار دست‌مان بدهد. آمدم بگویم چقدر من از این

مردک موزد بدم می‌آید. نگفتم. احوال پرسی کردم و کمی رفیقم را دلداری دادم و گفتم حالا مگر واقعاً بین ترامپ و بایدن فرقی هست؟ یاد چهار سال پیش افتادم که شب انتخابات آمریکا تا صبح نخوابیدم و اینقدر ایالت‌های آمریکا را بالا و پایین کردم که از استان‌های خودمان بهتر بلدشان شده بودم. آخرش چه شد؟ خیال خامی که گمان می‌کردیم با آمدنش لختی آرامش نصیب‌مان می‌شود. واقعیت این است که بایدن توان درست حرف زدن ندارد. حتی نمی‌تواند چهار قدم راه برود. اما با همه این‌لنگی و شوتی و بی‌حواسی عالمی را ناآرام کرد. پشت این چهره پیر لاجون فتنه‌انگیزی خوابیده بود که صدتای ترامپ و کوششش را در می‌داد. حالا هی ما بنشینیم و بابت پیروز نشدن دموکرات‌ها غصه بخوریم. هی پیش خودمان بگویم از اول هم مشخص بود که جامعه آمریکا سنتی و زن‌ستیز است و معلوم بود که به یک زن آن هم زن سیاه‌پوست رای نمی‌دهد. حالا که به ایام گذشته وضعیت حاملان نگاه می‌کنم بیش خودم می‌گویم حقیقتاً فرقی نمی‌کند چه کسی پرزیدنت شود. مهم این است که یک «بیگ برادر» ایده آمریکایی را جلو می‌برد. حالا که به عکس ترو ناموفق ترامپ نگاه می‌کنم می‌بینم روزی که ترامپ از تروور جان سالم به در برد باید می‌فهمیدیم که همه چیز برای بازگشت یک سوپرمن مارول‌ی طراحی شده بود.

